

بررسی سند تحول قضایی در پرتو مأموریت هفتگانه

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه

چکیده

هدف از تدوین این مقاله بررسی سند تحول قضایی در پرتو مأموریت هفتگانه با رویکرد توصیفی و کتابخانه‌ای می‌باشد. سند تحول قضایی منبعث از تکالیف تعیین شده در قانون اساسی به مأموریت‌های اصلی قوه قضاییه و با هدف دستیابی به عدالت و رضایتمندی مردم پرداخته است. قانون تجارت نیز بعد از این قانون تصویب شده است که خود نشان‌دهنده اهمیت و حمایت از ارزش مالکیت است. هرچه حمایت حاکمیت از این حق بیشتر باشد و امنیت و آسایش روانی در جامعه برقرار خواهد شد و با ثبت اسناد دغدغه خاطر اشخاص به مراتب کمتر می‌شود. تضمین حق مالکیت بستگی به کاغذ، مدرک و سندی دارد که این حق در آن درج می‌شود. این مهم در سند تحول قضایی در مأموریت ۷ حمایت از حقوق مالکیت اشخاص تاکید شده است و حاوی اعتمادسازی در بخش‌های مختلف جامعه و افزایش اعتماد عمومی، کاهش حجم زیاد پرونده‌های قضایی و اتخاذ تدبیر مناسب برای کاهش ورودی پرونده‌ها و کاهش چشمگیر جمعیت کیفری بخش‌های متنوع دیگر هستند. در فرایند نگارش سند تحول قضایی، ۷ مأموریت اصلی قوه قضاییه منبعث از تکالیف تعیین شده در قانون اساسی و همچنین سیاست‌های کلی نظام، مبنای تدوین سند شد. مأموریت‌های مذکور بدین شرح است:

مأموریت ۱. «رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات

مأموریت ۲. «احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

مأموریت ۳. «نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور

مأموریت ۴. «کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام

مأموریت ۵. «پیشگیری از وقوع جرائم و دعاوی

مأموریت ۶. «اصلاح مجرمان

مأموریت ۷. «حمایت از حقوق مالکیت اشخاص

سند تحول قضایی براساس این مأموریت‌ها و با رویکرد مطالعه وضع موجود و آسیب‌شناسی عملکرد دستگاه قضا در طول دوران پس از انقلاب اسلامی و بررسی نقاط قوت و ضعف رویه‌ای، فرآیندی و همچنین ساختاری تهیه و به منظور معماری

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

Online ISSN: ۲۴۷۶-۴۴۶۹

دوره ۹، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

Print ISSN: ۲۰۳۸-۲۰۳۹

صفحات ۶۹۵-۷۰۹

www.irijournals.com

دستگاه قضائی متناسب با گام دوم انقلاب در سال‌های آتی و با هدف دستیابی به دو پیامد اصلی «دستیابی به عدالت» و «رضایتمندی مردم» تنظیم شده است.

واژه‌های کلیدی: تحول قضایی، رضایتمندی مردم، احقاق حقوق شهروندان

مقدمه

تحول مهمترین شاخصه در جامعه های مدرن و رو به توسعه می باشد. (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۶۲) جامعه هایی که در عرصه ی قضایی رشد کرده اند و مسیر تحول را می پیمایند، بیشترین زمینه را برای احقاق حقوق شهروندی دارند (کی نیا، ۱۳۹۸: ۱۹۲). سند تحول قضایی به عنوان یکی از ابزار های قوه قضاییه در راستای انجام وظایف مقرر خود در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به خصوص احیای حقوق عامه و دستور مقام معظم رهبری در خصوص باز طراحی دستگاه قضایی مورد تصویب قرار گرفته است. در این سند به مسائل پیشینی و پسینی مرتبط با قوه قضاییه پرداخته شده است. از آنجا که قوه قضاییه یکی از ارکان حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران میباشد، بررسی اسناد مورد تصویب این رکن، از نگاه حقوق عمومی مورد توجه میباشد. حقوق عمومی با نگاهی کلی و جامع با بررسی بنیان های یک امر حقوقی ماهیت و ریشه آنرا مورد کاوش قرار میدهد. محوری ترین برنامه سند تحول قضایی عبارت از ابتدای برنامه ریاست قوه قضائیه بر بیانیه گام دوم انقلاب، اعتمادسازی در بخش های مختلف جامعه و افزایش اعتماد عمومی، کاهش حجم زیاد پرونده های قضایی و اتخاذ تدبیر مناسب برای کاهش ورودی پرونده ها، کاهش چشمگیر جمعیت کیفری، برخورد قاطعانه با مفاسد درون سازمانی و برون سازمانی، احیای حقوق عامه، تکریم مراجعان و بخش های متنوع دیگر هستند که مهمترین بخش آن که مورد بحث نیز می باشد؛ مأموریت ۷ این سند، حمایت از حقوق مالکیت اشخاص و افزایش اعتماد سازی عمومی می باشد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۹۰) این سند مبتنی بر «۲۰ عنوان چالش» اولویت دار، «۴۷ عامل ریشه ای اولویت دار» شناسایی و بر رفع و یا اصلاح این عوامل تمرکز شده است. تحول قضایی وابسته به مداخله مؤثر و تغییر بنیادین «۴۷ عامل ریشه ای اولویت دار» است. از این رو متناظر با هر عامل، مجموعه ای از راهکارها به نحوی تدوین شده است که اجرای توأمان آنها بتواند عامل مزبور را رفع کند. ۷ مأموریت در این سند تدوین شده که مأموریت آخر یعنی حمایت از حقوق مالکیت اشخاص مورد تحقیق مقاله مارالذکر است که عبارتند از:

۱. رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات
۲. احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی های مشروع
۳. نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور
۴. کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام
۵. پیشگیری از وقوع جرائم و دعاوی
۶. اصلاح مجرمان
۷. حمایت از حقوق مالکیت اشخاص

از اینرو با توجه به حجم بالای پرونده های ناشی از تنظیم اسناد عادی به ویژه در حوزه معاملات املاک، دستگاه قضایی دست به کار شد و ۱۵ مهر ۱۳۹۹ در جلسه شورای عالی قضایی با حضور حجت الاسلام رئیسی، حذف اسناد عادی از چرخه معاملات املاک تصویب و مقرر شد: معاونت حقوقی قوه قضاییه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای متمرکز شدن نظام معاملات کشور در اسناد ثبتی و حذف اسناد عادی از چرخه معاملات ملکی برنامه ریزی و در صورت نیاز به قانون، نسبت به تهیه لایحه و ارسال آن به مجلس اقدام کنند. علیرغم مزایا و معایب این طرح، با تصویب مجلس شورای اسلامی این طرح برای تأیید به شورای نگهبان ارسال گردید ولی این شورا ۱۱ ایراد بر این طرح وارد کرد که مهمترین آن، ایراد بر ماده ۱ این طرح بود. از نظر شورای نگهبان پذیرفته نشدن اسناد عادی (اسناد به ثبت نرسیده) نزد محاکم و ادارات بر خلاف شرع است. این نظر شورای نگهبان گذشته از این که به طریق اولی مخالف با ساقط کردن اعتبار اسناد عادی است و نظرات این شورا پیرامون مواد

قانون ثبت اسناد و املاک کشور نشان دهنده آن است که این شورا شدیداً با کاهش اعتبار اسناد عادی مخالف است و احتمال خیلی کمی وجود دارد که این طرح با این مفاد تأیید شورای نگهبان را بگیرد.

۱-ویژگی های سند تحول قضائی

پر واضح است که بدون دریافتی از وضع مطلوب، از یک سو امکان آسیب‌شناسی وضع موجود وجود ندارد؛ و از دیگر سو دسترسی به وضع آرمانی هم، میسر نخواهد بود. برای پاسخ به پرسش‌های فوق -مجدداً- تأکید می‌شود که در متون حقوقی، فلسفی، اقتصادی و جامعه‌شناسی، حاکمیت قانون از اهداف یک نظام سیاسی و اجتماعی است و قوه قضائیه «مستقل» (تأکید می‌شود مستقل) از لوازم اساسی تحقق حاکمیت قانون است. اگر حاکمیت قانون به عنوان امر کلی و قوه قضائیه مستقل را به عنوان امر جزئی، عجالاً «وضع مطلوب» در نظر آوریم، می‌توانیم وضع موجود و نیز سند تحول قضائی را از آن منظر مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم.

به نظر می‌رسد که وضع موجود را از سه دیدگاه می‌توان مورد ارزیابی قرار داد:

۱ - جایگاه «حق» در وضع قوانین

۲ - وابستگی یا استقلال قوه قضائیه از نظام سیاسی

۳ - گسترش یا کاهش دامنه ی فساد. (توجهی، ۱۳۹۷: ۸۲)

با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، نهاد قضاوت از معدود نهادهایی بود که به نحو اساسی دگرگون شد. دگرگونی نهاد قضاوت از آن رو بود که تصور می‌شد -و می‌شود- که قضاوت از وظایف فقها است و نهاد قضاوت باید به روحانیون دارای تحصیلات فقهی سپرده شود. پیش‌بینی شرط اجتهاد برای ریاست قوه قضائیه و ریاست دیوان عالی کشور، و نیز ضرورت احراز شرایط قاضی مطابق اصل ۱۶۳ قانون اساسی براساس موازین فقهی از دیگر گواهان این موضوع است. ناگفته پیداست که فقهی دیدن امر قضاوت، به دلیل حاکمیت قوانین فقهی بود که گویی اسلامیت نظام متکی بر آن است. بر این مبنا به موازات فقهی نگرستن امر قضاء، قوانین مدونی با الگوبرداری از کتب فقهی تدوین شد که در مقایسه با حقوق عرفی، در بسیاری موارد نسبت به مقوله حقوق بشر و حقوق شهروندی موضع متفاوتی دارند. به عبارت دیگر: اگر در دنیای جدید یکی از مهمترین مبانی تدوین قانون، رعایت آموزه‌های حقوق بشری است، در قوانین متأثر از فقه، چندان دغدغه‌ای نسبت به رعایت معیارهای حقوق بشری وجود ندارد. از سوی دیگر در ایران پس از انقلاب، قوه قضائیه خود را از بازوهای انقلاب می‌داند که مطابق مقدمه قانون اساسی «در خط حرکت اسلامی» از حقوق مردم دفاع و از انحرافات موضعی در امت اسلامی پیشگیری می‌کند. موضع‌گیری‌های مسوولین قوه قضائیه در قبال مسائل سیاسی و بین‌المللی و دفاع از سیاست‌های حاکمیت، اگر چه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظایف این قوه بر شمرده نیست، اما وابستگی قوه قضائیه به حاکمیت سیاسی را به نحوی اساسی هویدا می‌کند.

• تمرکز بر احیاء برخی از مأموریت‌های مغفول قوه قضائیه به ویژه مأموریت «احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» و «نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور»

• تمرکز بر شناسایی چالش‌ها از منظر مردم

• تمرکز سند بر شناسایی عوامل پدیدآورنده چالش‌ها (نشانه‌ها) و شناسایی عوامل ریشه‌ای به عنوان عوامل دارای نقش اهرمی و محرک برای سایر عوامل و اجتناب از توجه هم‌زمان و هم‌سان به تمامی عوامل ریشه‌ای و تمرکز بر عوامل ریشه‌ای اولویت‌دار

- تدوین راهبردها و راهکارهای تحولی دارای امکان رفع پایدار و یا اصلاح معنادار عوامل ریشه‌ای اولویت‌دار و دارای مؤلفه‌های مردم پایه، هوشمند و شفاف
- توجه ویژه به بازطراحی نظام مدیریتی حاکم بر قوه قضائیه از قبیل ساختار، منابع انسانی، منابع مالی و فناوری‌ها به عنوان بستر تحقق مأموریت‌ها
- تهیه سازوکارهای لازم برای راهبری، پیگیری مستمر، بازخورد و اصلاح و ارتقاء سالیانه سند تحول در راستای تحقق اقدامات پیش‌بینی شده در سند و متناسب با شرایط و ضرورت‌های پیش‌رو
- واقع‌بینی سند تحول قضائی با تعیین نهاد متولی و زمان‌بندی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)
- تأکید بر محورهای مهمی نظیر مبارزه با فساد، حفظ کرامت مردم، حمایت از تولید، جلوگیری از تضييع حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع
- نقش ویژه نخبگان، صاحب‌نظران، اساتید حوزه و دانشگاه و اندیشکده‌ها در روند تهیه‌ی سند تحول قضائی
- تأثیر انتشار سند تحول قضائی بر حوزه‌هایی نظیر مردم‌محوری، گسترش شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ به مطالبه‌گری و پذیرش نقش بی‌بدیل رسانه در مطالبه‌گری از دستگاه قضا (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۲)

۲- راهبردهای تحولی اجرای مأموریت های قوه قضائیه

- سند تحول، راهبردهایی را جهت انجام اصلاحات اساسی در اجرای مأموریت‌های دستگاه قضائی، نشانه‌گذاری کرده است که برخی از این راهبردها عبارتند از:
- ۱) ایجاد شفافیت در فرایند صدور آرا و تصمیمات قضائی
 - ۲) توسعه روش‌های جایگزین حل اختلافات به جای رسیدگی قضائی
 - ۳) افزایش تبعات نظرات کارشناسی نادرست
 - ۴) افزایش کیفیت اخذ شهادت شهود و اظهارات مطلعین
 - ۵) افزایش تبعات متواری شدن محکومان
 - ۶) ارتقاء شفافیت اطلاعاتی
 - ۷) رفع انحصار و ایجاد فضای رقابتی
 - ۸) مدیریت تعارض منافع
 - ۹) توسعه مشارکت‌های مردمی
 - ۱۰) شفاف سازی ضوابط برگزاری تجمعات
 - ۱۱) حمایت از نقدهای منصفانه و سازنده
 - ۱۲) ایجاد رویه واحد رسیدگی به جرایم سیاسی
 - ۱۳) توسعه ظرفیت‌های حمایتی از اطفال و نوجوانان بی سرپرست یا بد سرپرست
 - ۱۴) تجميع و هدایت هدفمند ظرفیت‌ها برای استیفای حقوق ایران در عرصه بین‌المللی
 - ۱۵) ارائه مجازی خدمات حقوقی، قضائی و ثبتی به ایرانیان خارج از کشور
 - ۱۶) اتخاذ رویکرد تهاجمی به وضعیت حقوق بشر در غرب

- ۱۷) افزایش تبعات عدم اجرای قوانین
- ۱۸) هوشمندسازی فرایند نظارت بر دادسراها و دادگاه ها
- ۱۹) استقرار نظام ارزیابی عملکرد قضات
- ۲۰) بهره گیری از فناوری های نوین در فرایند کشف جرم
- ۲۱) افزایش تبعات صدور قرارهای بازداشت غیرضروری یا نامتناسب
- ۲۲) متناسب سازی وثایق و کفالت های مورد پذیرش
- ۲۳) ایجاد تقارن اطلاعاتی برای طرفین معامله
- ۲۴) تقویت کیفیت خدمات حقوقی
- ۲۵) تمرکز بر حذف عوامل اصلی شکل گیری جرایم و دعاوی
- ۲۶) موثر و متنوع نمودن مجازات ها متناسب با نوع جرایم
- ۲۷) توسعه سازوکارهای مکمل برای ترغیب زندانیان به سبک زندگی متعالی
- ۲۸) ارتقاء نظام حمایت و مراقبت پس از خروج محکومان از زندان
- ۲۹) ترغیب اشخاص به تبدیل معاملات عادی به اسناد رسمی
- ۳۰) افزایش صدور اسناد حدنگاری شده (سرشار، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

۳- مسائل و چالش هایی که حل آن براساس سند تحول قضائی

۳-۱- اشتباه یا ضعیف بودن بخشی از آراء و تصمیمات قضائی

- توضیح مسئله: آرای قضائی نباید اشتباه یا ضعیف باشد و به اصطلاح باید متقن و دقیق باشد. برای مثال زمانی که مردم در یک پرونده به یک شعبه مراجعه کردند و آن شعبه یک نوع رأی صادر کرد اگر برای همان پرونده به شعبه ای دیگر مراجعه کردند و رأیی خلاف رأی قبلی صادر شد، حداقل یکی از این دو رأی اشتباه یا غیرمتقن است.
- و پیامدهای مسئله: آرای ضعیف قضائی سبب بی عدالتی و در نتیجه بی اعتمادی مردم به دستگاه قضا می شود و زمانی که دادگاه بتواند رأی یا تصمیم ضعیف و غیرمتقن صادر کند، زمینه ای برای انجام فساد قضائی مانند اخذ رشوه فراهم می شود.
- بعضی از راهکارهای پیش بینی شده در سند تحول: ایجاد «سامانه دستیار هوشمند قضائی» برای ارائه پیش نویس دادنامه به قاضی، انتشار برخط آراء و تصمیمات قضائی برای عموم مردم، ضبط صدا و تصویر دادگاه در فرایند رسیدگی، ایجاد «سامانه آراء متعارض» در دیوان عالی کشور برای تسریع در فرایند صدور آرای وحدت رویه، شناسایی و اصلاح قوانین و مقررات متعارض، تدوین آیین های دادرسی تخصصی مانند آیین دادرسی خانواده و... (نجفی ارنادآبادی، ۱۳۹۸: ۲۷)

۳-۲- اکتفا به روش های سنتی نظارت بر قضات

- توضیح مسئله: ارزش و جایگاه والایی که برای شغل قضاوت قائل هستیم، ایجاب می کند بالاترین و هوشمندترین نظارت ها بر قضات انجام شود تا ضمن صیانت از قضات خدوم و شریف، قضات بتوانند با همان معیارهای سخت گیرانه ای که جذب شده و شروع به کار کرده اند، مسیر حرفه ای و تخصصی خود را طی کنند.

اما در هر صورت در میان قضات نیز امکان خطا و لغزش، اهمال یا حتی فساد وجود دارد. در هر ۳ حالت ذکر شده، مسئله مهم این است که نتیجه می‌تواند منجر به تضییع حقوق مردم شود.

• بعضی از راهکارهای پیش‌بینی شده در سند تحول: سند تحول در مرتبه اول به دنبال این مهم است که حقوق مردم بر اثر خطای قضایی از بین نرود و در مرحله بعدی به دنبال تشخیص علت این خطا و برخورد مناسب با خاطی می‌باشد. شفافیت آرای قضات و ایجاد بستر نقد و تحلیل آرا و همچنین تخصصی شدن فرایند رسیدگی به پرونده‌ها به بهبود وضعیت آرای صادره کمک شایانی خواهد کرد، در کنار این موارد اما ارزیابی عملکرد قضات هم مهم است. در سند تحول ساز و کاری پیش‌بینی شده است که بتوان عملکرد قضات را به صورت دائم رصد کرد، بر این اساس قضات شایسته تشویق شده و ارتقا پیدا کنند و قضاتی که دچار خطا، اهمال یا احیانا فساد باشند با برخورد متناسب روبرو شوند، سند تحول برای تحقق این هدف راه اندازی سامانه ارزیابی عملکرد قضات را برنامه ریزی کرده است.

در این سامانه با هوشمندسازی فرایند نظارت بر دادرها و دادگاه‌ها از طریق داده‌کاوی اطلاعات «سامانه مدیریت پرونده» و سایر سامانه‌ها؛ تصمیمات قضات دادرها توسط قضات دادگاه‌ها و آرای قضات دادگاه‌ها، توسط قضات دیوان عالی کشور با شاخص‌های همچون نرخ مصالحه، مدت‌زمان رسیدگی، نظم در برگزاری جلسات دادگاه و نتایج اعلام نظر برخط مراجعان امتیاز دهی و رتبه بندی خواهند شد. علاوه بر دسترسی مستقیم مراجع نظارتی قوه قضائیه به این سامانه، نتایج ارزیابی این سامانه در تعیین وضعیت قضات در نظام‌های منابع انسانی از جمله جبران خدمات، ارتقاء شغلی و نقل و انتقال تعیین کننده خواهد بود. (هاشمی، ۱۳۹۴: ۵۹)

۳-۳- ضعف در دسترسی عمومی به خدمات حقوقی با کیفیت

• توضیح مسئله: نگاه سند به موضوع وکلا نگاه بسیار مثبت و همراه با توجه به نقش آنها در حوزه پیشگیری از جرم است و تعریفی که سند از وظیفه‌ی وکلا ارائه می‌دهد فقط منحصر به بعد از تشکیل یک پرونده قضائی نیست، بلکه سند برای وکیل هم در مبحث مهم اجرای عدالت و هم در حوزه پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی، نقش جدی قائل است. یکی از عوامل موثر در تحقق عدالت قضائی و پیشگیری از جرم دسترسی خوب و همگانی مردم به خدمات حقوقی است، به عنوان مثال اگر مردم در زمان انجام یک معامله وکیل داشته باشند طبیعتا امکان اینکه در آینده اختلافات مالی و حقوقی در خصوص آن معامله شکل بگیرد بسیار کم خواهد شد، از این جهت سند توجه ویژه‌ای به موضوع تسهیل دسترسی مردم به وکلا دارد.

آنطوری که از آمار نقش آفرینی وکیل در انعقاد قراردادها و معاملات یا تعداد پرونده‌های بدون وکیل استنباط می‌شود نیاز است که خدمات حقوقی وکالت به صورتی در دسترس تر و ارزان تر و تخصصی تر ارائه شود.

• بعضی از راهکارهای پیش‌بینی شده در سند تحول: یکی از راهکارهایی که سند برای تسهیل دسترسی عمومی به خدمات حقوقی باکیفیت طراحی کرده است، توسعه نرم‌افزارهای حقوقی برای خدمات حقوقی نظیر مشاوره در تنظیم قرارداد، تنظیم اسناد ثبتی و قضائی و پیش‌بینی حکم احتمالی صادره در موارد اختلاف است.

راهکار دیگر، تعیین حدود صلاحیت، درجه‌بندی و شفاف سازی عملکرد وکلا و ایجاد نظام رتبه بندی در بین آنان است. بر همین اساس، سند راه اندازی سامانه رتبه بندی وکلا و موسسات حقوقی را پیش‌بینی کرده است، این رتبه بندی که بر اساس

تعدادی شاخص از جمله میزان رضایت موکل انجام می شود تا مردم در انتخاب وکیل با نگاه دقیق و دست باز اقدام نمایند و از جایگاه وکلا نیز صیانت شود.

راهکار بعدی سند در این زمینه بحث پذیرش و مجوز وکالت است، بر این اساس پذیرش وکیل باید بر اساس صلاحیت سنجی های دقیق فنی و حرفه ای باشد ولی نباید سقف عددی برای جذب وکیل قائل شد و به تعبیری در این زمینه نباید انحصاری شکل بگیرد. عدالت بیش از هر جا باید در مورد خود وکلا اجرا شود، باید اجازه داد هر کس صلاحیت های لازم را دارد بتواند در هر جایی که علاقه مند است وکالت کند و نباید با تعیین سقف و ظرفیت و امثالهم برای وکالت محدودیت ایجاد کرد. در مجموع سند به دنبال این است که صلاحیت ها به بهانه ظرفیت ها محدود نشوند! افزایش تعداد وکلای تخصصی و شایسته باعث میشود که دسترسی مردم به این خدمت مهم بصورت کیفی تر تسهیل شود. (ناصر زاده، ۱۳۹۲: ۸۳)

۳-۴- طولانی بودن مدت زمان رسیدگی به شکایات و پرونده های مردم

• توضیح مسئله: در حال حاضر در بسیاری از پرونده های قضائی، مدت زمان رسیدگی بسیار طولانی است و بعضاً برای رسیدن به حق و اجرای حکم، سال ها باید در صف رسیدگی قضائی و اجرای حکم معطل شد. برای مثال در بعضی شعبه های دادگاه، تعیین وقت رسیدگی زیر شش ماه انجام نمی شود. این موضوع سبب شکل گیری پرونده هایی است که در قوه قضائیه باز می شود ولی بسته نمی شود. از طولانی شدن رسیدگی قضائی به اصطلاح «اطاله دادرسی» نیز نام برده می شود.

• پیامدهای مسئله: طولانی شدن رسیدگی قضائی سبب تلف شدن عمر و بودجه مردم می شود. علاوه بر آن در بعضی پرونده ها هر چه مدت زمان رسیدگی طولانی تر شود، دقت در رسیدگی نیز کاهش می یابد. از طرف دیگر افزایش مدت زمان رسیدگی قضائی، انگیزه ارتکاب جرم (در پرونده های کیفری) و انگیزه عدم ایفای تعهد (در پرونده های حقوقی) را توسط اشخاص متخلف افزایش می دهد که این خود به افزایش حجم پرونده ها نیز خواهد انجامید.

• بعضی از راهکارهای پیش بینی شده در سند تحول: یکی از راه های کاهش مدت زمان رسیدگی، کاهش حجم پرونده های ورودی به قوه قضائیه است که پیشتر مورد بحث قرار گرفت. یکی دیگر از راه های کاهش مدت زمان رسیدگی، اعمال دستورات قضائی با فراهم سازی دسترسی برخط برای قضات به پایگاه های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی است که نیاز به استعلام های کاغذی از نهادهای مختلف را حذف می کند. حذف تشریفات زائد و اعمال هوشمند اوقات رسیدگی، مواعد قانونی و قضائی، مبالغ قانونی و رویه های قضائی در سامانه های مرتبط یکی دیگر از راه های کاهش مدت زمان رسیدگی است. (توجهی، ۱۳۹۷: ۷۲)

۳-۵- حجم بالای ادعاهای اعسار از هزینه دادرسی

• توضیح مسئله: در وضعیت فعلی، یکی از عوامل مهم در اطاله دادرسی، پرونده های ادعای اعسار از هزینه دادرسی می باشد. در حال حاضر شرایط به این نحو است که تعداد قابل توجهی از افرادی که در پرونده های حقوقی به محاکم مراجعه می کنند و میخواهند به عنوان مثال در یک پرونده اختلاف مالی شکایتی را طرح نمایند، به دلیل عدم توانایی در پرداخت هزینه دادرسی، درخواست اعسار از هزینه دادرسی را مطرح می نمایند، یعنی مدعی می شوند ما توان پرداخت هزینه های دادرسی را نداریم.

در این شرایط فرد مدعی، می بایست، پرونده اصلی که بابت آن قصد شکایت داشته را کنار بگذارد و پرونده جدیدی به نام اعسار از هزینه دادرسی طرح کند. در واقع ابتدا باید ادعای اعسار از پرداخت هزینه فرد مورد بررسی قرار گیرد، آن هم تحت

عنوان یک پرونده جدید و با طی کردن تمامی مراحل مربوطه از دادگاه بدوی گرفته تا تجدید نظر و تمامی مراحل و فرایند دادرسی! قاعدتا فرایند رسیدگی به ادعای اعسار مانند تمام پرونده‌های دیگر زمان بر خواهد بود و در این بین فردی که قرار بوده در پرونده اصلی از او شکایت شود، دیگر هیچ نقش و حضوری ندارد و در واقع فرد شاکی با قوه قضائیه طرف است تا ثابت کند که آیا امکان پرداخت هزینه دادرسی را دارد یا خیر و بعضاً نیز فرد متشاکی برای به تاخیر افتادن آغاز رسیدگی به پرونده اصلی، ادله ای از وجود توانایی در فرد شاکی برای پرداخت هزینه های دادرسی را به دادگاه و قاضی ارائه می دهد. در نهایت هم اگر فرد مدعی اعسار در این فرایند محکوم شود به پرداخت هزینه دادرسی، تا زمانی که این هزینه را پرداخت نکند امکان طرح پرونده اصلی وجود ندارد!

- پیامدهای مسئله: سبب تضییع حق طرف دیگر پرونده و طولانی شدن رسیدگی و اجرای حکم پرونده اصلی می شود.
- بعضی از راهکارهای پیش‌بینی شده در سند تحول: یکی از راهکارها، حذف عنوان درخواست اعسار است. بدین شکل که تشکیل هرگونه پرونده جدید تحت عنوان اعسار از هزینه دادرسی متوقف شده و اگر کسی در فرآیند رسیدگی قضائی، درخواست اعسار از هزینه دادرسی داشت، این درخواست او در مرحله اول ظرف چند ساعت و از طریق دسترسی قوه قضائیه به پایگاه‌های اطلاعاتی کشور اعتبارسنجی شود. در صورت فقدان دارایی منقول (مانند خودرو) و غیرمنقول (مانند ملک و زمین) به نام این فرد، درخواست اعسار قبول می شود و در عین حال برای او محدودیت‌هایی در برخی فعالیت‌های اقتصادی خاص که مخصوص افراد توانمند است اعمال می شود. فعالیت‌هایی مانند ثبت شرکت، خرید مستغلات و خودرو، دریافت تسهیلات از بانک‌ها و فعالیت در بورس و منع سفر خارجی نمونه‌هایی از این محدودیت‌هاست. در صورتی که فرد هم امکان پرداخت نقدی در شرایط حاضر را نداشته باشد، امکان پرداخت با روش های جایگزین پرداخت نقدی هزینه دادرسی مثل پرداخت به صورت اقساطی یا ارائه ضمانت نامه فراهم خواهد شد. بدین شکل ضمن تشخیص ادعای اعسار فرد مدعی، کرامت انسانی افرادی که واقعا از پرداخت هزینه های دادرسی ناتوان هستند نیز حفظ می شود. (زراعت، ۱۳۹۷: ۶۸)

۳-۶- ادعای دروغین اعسار (ناتوانی) از پرداخت محکومیت‌های مالی

توضیح مسئله: بخشی از پرونده‌های موجود در دادگاههای حقوقی، مربوط به پرونده‌های «اعسار از پرداخت محکومیت‌های مالی» (اصطلاحاً اعسار از پرداخت محکوم‌به) است. در پرونده‌های اعسار از «پرداخت محکومیت‌های مالی»، کسی که در یک پرونده مالی محکوم به پرداخت مبلغی به طرف دیگر پرونده می شود، چنانچه به علت مشکلات مالی متعدد مانند هزینه درمان بیماری خود یا اعضای خانواده، بیکاری، کمبود درآمد، اجاره نشینی و... توان پرداخت یک جای مبلغ یا دین را ندارد، در این موارد قانون، امتیازی با عنوان اعسار از پرداخت محکوم به برای ایشان در نظر گرفته است که بموجب آن تحت شرایطی، بدهی را برای وی تقسیط می کند.

در این بین، جدای از افرادی که واقعا معسر هستند و توانایی پرداخت دین خود را ندارند، عده‌ای وجود دارند که به خلاف ادعای معسر بودن می کنند، البته که عمدتا و در اثر قریب به اتفاق موارد، این ادعاهای خلاف توسط دادگاه مشخص می شود ولی همین دادخواست اعسار دست‌آویزی شده است برای برخی از افرادی که قصد دارند، به جهت انتفاع مالی و اقتصادی بیشتر، بدهی خود را در زمان دیرتری پرداخت کنند و یا طلبکار را اذیت نمایند، یعنی انگیزه اصلی این افراد سودجو، خرید زمان در پرداخت دیون خود هست. شگرد اصلی این افراد، استفاده ابزاری از دادخواست اعسار، ارائه ناقص فهرست اموال و دارایی‌ها خود یا صرفاً معرفی اموالی که به اصطلاح صعب الوصول هستند، چون این افراد می دانند که فرایند استعلام دارایی و

اموال مدیون توسط دادگاه، بسیار زمانبر و طولانی است یا پرداخت رشوه به عوامل برخی از دستگاه های مورد استعلام برای پاسخ دیرتر می باشد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۲۸)

البته تعداد افراد کمی هم هستند که با شگردهای مختلف، موفق به تقسیط بدهی خود می شوند، در حالیکه به واقع توانایی مالی لازم را دارند. شگرد این افراد، انتقال اموال خود به صورت صوری در حین جریان رسیدگی قضائی و بازپس گیری اصل و منافع آن در حین یا پس از اتمام اقساط محکوم^۳ به، معرفی برخی از افراد سودجو به عنوان شاهدی که به خلاف شهادت دهند و یا پرداخت رشوه به عوامل برخی از دستگاه های مورد استعلام برای پاسخ خلاف واقع می باشد.

• پیامدهای مسئله: روند فعلی رسیدگی به ادعای اعسار سبب تضییع حق طرف دیگر پرونده و طولانی شدن رسیدگی و اجرای حکم پرونده اصلی می شود.

• بعضی از راهکارهای پیش بینی شده در سند تحول: یکی از راهکارها حل معضل اعسار دروغین، کمک حاکمیت به شاکی برای تشخیص اموال و دارایی های فرد مدعی اعسار است، این مهم از طریق دسترسی مستقیم قوه قضائیه به پایگاه های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی انجام شده و در واقع بار سنگین اثبات وجود دارایی برای فرد مدعی اعسار را از دوش شاکی برمی دارد. راهکار دیگر این که با تعریف مجموعه ای از قواعد محدودیت ساز در فعالیت های اقتصادی که نشان گر توان مالی فرد مدعی اعسار است، هزینه های ادعای کذب را به شدت بالا می برد. بر این اساس هر فردی که درخواست اعسار محکوم به بدهد از همان لحظه درخواست، قواعدی محدودیت ساز مثل عدم امکان ثبت شرکت، خرید مستغلات و خودرو، دریافت تسهیلات یا فعالیت در بورس برای او اعمال خواهد شد و تا زمان پرداخت دیون از طرف فرد مدعی اعسار ادامه خواهد داشت. این محدودیت ها به گونه ای طراحی شده که در صورتی که واقعا فردی توانایی مالی لازم را داشته باشد، ارزش ندادن پول رو از فرد گرفته و دریابد که ندادن دین باعث می شود ضرر بیشتری را متقبل شود. راهکار سوم پیش بینی جرمه است، افرادی که اعلام می کنند معسر هستند اگر در هر زمانی در آینده اثبات گردد که واقعا معسر نبوده اند و توانایی مالی لازم را داشتند و با شگردهایی از قبیل نقل و انتقال های صوری اموال و دارایی های خود، سعی در فرار از پرداخت دین را داشته اند، با جرمه های سنگین روبرو خواهند شد که ریسک و هزینه ادعای خلاف را به شدت بالا خواهد برد، یعنی هر فردی که به عنوان معسر شناخته شود برای همیشه تحت بررسی هوشمند دارایی ها و اموالش قرار خواهد داشت.

۳-۷- ناکارآمدی در جلب محکومان متواری

• توضیح مسئله: اجرای احکام به عنوان آخرین مرحله دادرسی است و در حقیقت اجرای سریع و موثر آن حق تثبیت شده است که توسط مرجع رسمی انجام می پذیرد. اما بعضا مشاهده می شود که تعدادی از محکومان متواری می شوند. به عنوان مثال در اجرای احکام مدنی، ذینفع (محکوم له)، (طلبکار) در یک پرونده مالی، مدت ها تلاش حقوقی و قضائی می کند تا بتواند موضوع حق خود را به اثبات برساند، و هدف قوه قضائیه هم اینست که محکوم له به محکوم به (حق شناخته شده) در کمترین زمان ممکن دستیابی حداکثری پیدا کند. اما با متواری شدن محکوم علیه، این هدف محقق نمی شود. حالا عمدتا بار پیدا کردن محکوم بر عهده محکوم له می افتد و فرد ذینفع هم به علت عدم دسترسی به اطلاعات به هیچ وجه به راحتی نمی تواند به محکوم متواری برسد، لذا دست به دامن روش های غیر قانونی مثل استفاده از شرخر و امثالهم می شود که خود باعث ایجاد مفسده های مختلف می شود.

• پیامدهای مسئله: این مسئله سبب تضييع حق طرف ديگر پرونده، طولانی شدن اجرای حکم پرونده اصلی و تضعیف روابط حقوقی اشخاص می شود.

• بعضی از راهکارهای پیش‌بینی شده در سند تحول: در این سند، پیش بینی شده که تبعات متواری شدن محکومان به شدت افزایش یابد، به نحوی که اگر محکومی خواست از چشم حاکمیت و محکوم له متواری و پنهان شود، با چنان تبعات سنگینی روبرو شود که تبعات فرار را برای او بالاتر از تبعات ماندن و روبرو شدن با حکم کند. برای این منظور، قوه قضائیه تمامی ابزارهای در اختیار حاکمیت را به خدمت خواهد گرفت تا امکان متواری شدن را بسیار کاهش دهد.

اولا از این پس، هر محکومی که متواری شود، تمامی اطلاعات موجود او در سامانه اطلاعاتی محکومان متواری درج خواهد شد. دوما به محض ثبت اطلاعات هر فردی در این سامانه، مجموعه‌ای از محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی به صورت برخط برای او به اجرا گذاشته خواهد شد، به عنوان مثال محکوم متواری دیگر در هیچ کدام از دفاتر اسناد رسمی امکان انجام معامله را نخواهد داشت، نمی‌تواند هیچ شرکتی به نام خود ثبت کند، نمی‌تواند در هیچ محکمه‌ای شکایتی به نام خود انجام دهد، تمام حساب‌های بانکی او مسدود می‌شود، تلفن همراهش قطع می‌شود، اجازه فعالیت در بورس را نخواهد داشت، حتی از رانندگی هم منع می‌شود و پلیس هر جا او را در حال رانندگی ببیند موظف به جلبش است، امکان خرید بلیط هواپیما و اتوبوس و قطار را نخواهد داشت. ضمن اینکه، تمامی ارائه خدمات به محکوم در تمامی دستگاه‌های درون و بیرون قوه قضائیه تحت نظارت و رصد این سامانه قرار خواهد گرفت.

۳-۸- ضعف در سازوکارهای نظارت همگانی بر مسئولان

• توضیح مسئله: بعد از تصویب قوانین «رسیدگی به داریایی مقامات، مسئولان و کارگزاران» و «الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی» در اواخر شهریور ماه سال ۱۳۹۸ از سامانه ثبت اموال و داریایی‌های مسئولان و مقامات رونمایی شد و همه آنها موظف شدند ظرف یک ماه فهرست اموال و داریایی‌های خود را در این سامانه ثبت و در واقع به قوه قضائیه گزارش کنند. این روند در طول مدت گذشته کم و بیش در حال پیگیری بوده اما هنوز به صورت کامل به اجرا در نیامده است. پیامدهای مسئله: عدم اعلام لیست اموال و سایر اطلاعات مربوط به مسئولان به قوه قضائیه می‌تواند به اعتماد عمومی مردم آسیب زده و کشور را با مشکلاتی روبرو کند.

• بعضی از راهکارهای پیش‌بینی شده در سند تحول: بر اساس سند تحول، قوه قضائیه به جد پیگیر اجرای قانون رسیدگی به داریایی مسئولان خواهد بود و برای تکمیل این قانون سعی خواهد کرد موادی به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی نیز اضافه نماید

از طرفی در سند تحول پیش بینی شده است که «سامانه ی ثبت حقوق و مزایا» نیز راه اندازی شود تا به شفافیت اطلاعات مسئولان کمک بیشتری نماید.

۹) ضعف در حمایت از حقوق متهمان

• توضیح مسئله: یکی از مصادیق مهم صیانت از آزادی‌های مشروع حمایت از حقوق متهمان است. در این زمینه و در حال حاضر یکی از مراحل که در آن امکان تضييع حقوق متهم وجود دارد مرحله کشف جرم می‌باشد. به خصوص زمانی که ضابط به منظور کشف جرم یا بازداشت متهم به حریم خصوصی افراد مثل منزل وارد می‌شود یا می‌خواهد اموال خصوصی مثل کیف و ماشین را مورد بررسی قرار دهد، در اینگونه موارد بعضا شکایاتی از طرف برخی متهمان مبنی بر تخلف ضابط طرح می شود که

به جهت عدم وجود اطلاعات مشخص و دقیق، امکان کشف انگیزه متهم از طرح چنین مواردی آسان نخواهد بود، آیا واقعا حقی از متهم ضایع شده است یا انگیزه متهم تحت فشار قرارداد ضابط یا انتقام از او است؟ این همان ابهاماتی است که قوه قضائیه را که همیشه بدنبال وجود ضابط سالم و مقتدر بوده است را با چالش مواجه می کند.

همچنین از موارد دیگری که میتواند منجر به تضییع حقوق متهمان شود موضوع بازداشت های موقت است که با چالش های بسیاری روبرو است و وقایعی که در بازداشتگاه ها رقم می خورد نیز معمولا مورد چالش بوده است.

• بعضی از راهکارهای پیش بینی شده در سند تحول: سند تحول در جهت تقویت حمایت از حقوق متهمان و به منظور رعایت حقوق بازداشت شدگان، راهکارهایی را پیش بینی کرده است:

(۱) ثبت داده مکانی محل بازرسی، زمان آن و نوع ورود، نحوه بازرسی و اتفاقات حین این فرایند از طریق دوربین نصب شده بر روی لباس ضابطان با حفظ حریم خصوصی و حفظ محرمانگی اطلاعات

(۲) اعمال نظارت هوشمند بر قضات در خصوص قرارهای بازداشت موقت از حیث ضرورت صدور، تمدید مدت بازداشت، تناسب قرار تأمین، وجود فرصت کافی برای تسلیم کفیل یا وثیقه و یا امکان پذیرش با توجه به تأمین معرفی شده از سوی متهم

(۳) ضبط صدا و تصویر تمام بازداشتگاه ها و ارائه به مراجع نظارتی و قضائی

(۴) انجام معاینه پزشکی به محض بازداشت و ثبت هوشمند و سیستمی مشخصات پزشک و نتایج معاینه به صورت کامل در پرونده با امکان دسترسی فرد بازداشت شده به پرونده پزشکی

(۵) استانداردسازی بازداشتگاه ها از نظر موقعیت مکانی، فضای فیزیکی و رعایت حقوق بازداشت شدگان از جمله دسترسی به ارتباطات و خدمات رفاهی مناسب

(۶) متنوع سازی و متناسب سازی وثایق و کفالت های مورد پذیرش متناسب با مواردی از جمله انواع جرائم و درجه مجازات ها، لحاظ شخصیت و وضعیت فردی و خانوادگی و استقرار سازوکارهای مناسب برای قبول انواع وثایق و کفالت ها

(۷) اعتبارسنجی وثایق و کفالت ها با دسترسی مستقیم به پایگاه های اطلاعاتی مراجع حاکمیتی (توجهی، ۱۳۹۷: ۱۷۶)

۳-۱۰- عدم وجود تقارن اطلاعاتی برای طرفین معامله

• توضیح مسئله: در هر جامعه ای میزان وقوع جرائم، دعاوی و اختلافات نشان دهنده ضعف در اجرای عدالت در آن جامعه است و سطح عالی عدالت با از بین بردن ریشه های وقوع جرائم، دعاوی و اختلافات محقق می شود. در واقع حد کمال دستگاه قضائی در تحقق عدالت، از بین بردن ریشه ها برای پیشگیری از وقوع هرگونه جرم و دعوا است. به همین جهت است که قانون گذار در بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از مأموریت های قوه قضائیه را پیشگیری از وقوع جرم دانسته است.

ورود هر پرونده به دستگاه قضا، به معنای ایجاد ۳ هزینه است، هزینه برای طرفین و هزینه برای حاکمیت. هرچند رسیدگی متقن و سریع می تواند موجب جبران بخشی از این هزینه ها شود اما به هر حال جبران بخش عمده ای از این هزینه ها به ویژه هزینه های معنوی تقریبا امری بعید است. به عنوان مثال در یک پرونده دعاوی ملکی، افراد برای دستیابی به حق قانونی خود علاوه بر هزینه های دادرسی و وکالت متحمل هزینه های معنوی قابل توجه از جمله عمر و زمان از دست رفته و مشکلات روحی و روانی می شوند که جبران آن ناممکن است.

به همین جهت است که رویکرد پیشگیری از جرائم و از بین بردن زمینه های بروز اختلاف و دعاوی از اولویت های مأموریتی دوره فعلی قوه قضائیه است.

یکی از زمینه‌های اصلی که موجب وقوع حجم زیادی از اختلافات و دعاوی شده است، اطلاع ناکافی طرفین معامله از سوابق مالی و اقتصادی طرف مقابل است، یعنی در واقع در شرایط امروز میزان ریسک در معاملات در کشور بسیار بالا است، چرا که طرفین معامله هیچ دسترسی به سوابق و شرایط مالی، اموال و دارایی‌های طرف معامله خود ندارند، و این منجر به اختلافات مالی متعددی در معاملات و برخی کلاهبرداری‌ها می‌شود.

در برخی از پرونده‌ها مشاهده می‌شود که افراد سودجو و کلاهبردار در برخی از شهرها به ویژه کلانشهرها با تهیه دفتری صوری در جغرافیای خاصی از شهر و ماشینی اجاره‌ای و جذب موقت چند کارمند از همه جا بی‌خبر؛ اقدام به انعقاد قراردادهای کلان و یا جذب سرمایه‌های خرد مردم به انحاء مختلف می‌کنند و طرف معامله به واسطه همین امکانات خاص و فعالیتی موقتی آن شخص در بازار، به او اعتماد کرده و اندوخته سال‌های خود را در اختیار او می‌گذارد.

• پیامدهای مسئله: اینگونه پرونده‌ها، نه تنها بخش قابل توجهی از جامعه را درگیر خود کرده است، بلکه موجب کاهش اعتماد مردم در سرمایه‌گذاری خرد و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران کلان در پروژه‌های تولیدی شده است و ترس از اینگونه اتفاقات، همگان را به سمت و سوی بازارهای غیرمولد کشانده است. علاوه بر این، اینگونه پرونده‌ها، حجم زیادی از پرونده‌های ورودی به قوه را نیز تشکیل داده و خود یکی از عوامل مهم اطاله دادرسی است.

• بعضی از راهکارهای پیش‌بینی‌شده در سند تحول: سند تحول برای پیشگیری از بروز اختلاف در معاملات، راهکار ایجاد یک تقارن اطلاعاتی برای طرفین معامله در هنگام معامله را پیش‌بینی کرده است. در واقع راهکار موجود در سند به دنبال این است که دسترسی طرفین معامله را به سوابق مالی یکدیگر تسهیل و ریسک‌پذیری معاملات را کاهش دهد. بر این اساس سامانه‌ای به نام سامانه اعتبار معاملاتی اشخاص ایجاد خواهد شد که میزان ریسک معامله با اشخاص را رتبه‌بندی کرده و به اطلاع طرف دیگر معامله می‌رساند.

نحوه عملکرد سامانه بدین گونه است که پس از ثبت نام اشخاص اعم از اشخاص حقیقی و یا حقوقی در این سامانه، سامانه با فراخوانی اطلاعات لازم از طریق اتصال به سامانه‌های مرتبط از جمله ثبت، مالیات، بانک و مدیریت پرونده قضائی، اطلاعات و سوابق مالی شخص مورد نظر را ثبت کرده و بر اساس آن اعتبار سنجی لازم را انجام داده و از پس در هنگام معامله در صورت توافق و رضایت طرفین برای دسترسی به وضعیت اعتباری طرفین، کد اختصاصی هر شخص به طرف مقابل داده شده و سامانه باتوجه به شرایط آن معامله، بدون اعلام اموال و دارایی یا هرگونه سابقه شخص موردنظر، صرفاً درجه ریسک‌پذیری انجام آن معامله با آن شخص را به طرف مقابل معامله ارائه خواهد داد. این سامانه در واقع یک سیستم مشاوره‌ای هوشمند است که تقارن اطلاعاتی مناسبی برای طرفین معامله ایجاد می‌کند. پیشنهاد قوه قضائیه اینست که پس از راه‌اندازی این سامانه، برای انجام هر معامله‌ای از طرف مقابل درخواست کنید که کد اختصاصی دسترسی به درجه ریسک‌پذیری معامله خود را به شما بدهد و حتماً قبل از انجام معامله به این سامانه مراجعه فرمایید و در صورت اعلام سامانه مبنی بر خطرپذیری بالای معامله با شخص موردنظر، حتماً معامله موردنظر را انجام ندهید یا با دقت، تحقیقات بیشتر و تضامین مشخص تری معامله را انجام دهید. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۸: ۱۲۰)

۴- تحول در نظام مدیریتی دستگاه قضائی

سند تحول قضائی در کنار توجه به اصلاحات و اتخاذ رویکرد تحولی در اجرای مأموریت‌ها، توجهی ویژه به لزوم تحول در نظام مدیریتی قوه قضائیه نیز داشته و تحقق سند را در گروهی بازطراحی برخی از نظام‌های مدیریتی حاکم بر دستگاه قضائی می‌داند.

در این بخش به اجرای اقدامات تحولی برای بازطراحی نظام مدیریتی قوه قضائیه همچون شایسته‌گزینی منابع انسانی قوه قضائیه در فضای رقابتی، شفاف‌سازی عملکرد مدیران قوه قضائیه، تحقق مدیریت مردمی در دستگاه قضائی، شفاف‌سازی عمومی و برخط ضوابط حاکم بر صدور مجوزها، مناقصه‌ها و مزایده‌های قوه قضائیه و مشخصات اشخاص منتفع، اعلام نظر برخط مراجعان به دستگاه قضا نسبت به عملکرد قضات و مسئولان و حمایت و ارتقاء زنان شاغل در قوه قضائیه اشاره شده است. (زراعت، ۱۳۹۷: ۹۲)

این سند ذیل ۱۱ موضوع اصلی به شرح زیر، تحول در نظام مدیریتی عدلیه را پیگیری کرده است:

- (۱) برنامه ریزی
- (۲) سازمان دهی
- (۳) منابع انسانی
- (۴) منابع مالی
- (۵) منابع فیزیکی و تجهیزات
- (۶) قوانین و مقررات
- (۷) فناوری
- (۸) نوآوری و پیشنهادها
- (۹) گفتمان سازی
- (۱۰) ارتباطات مردمی
- (۱۱) رعایت کرامت ارباب رجوع

۵- ضمانت اجرا و ساز و کار نظارت بر اجرای سند تحول

بخش آخر سند تحول به موضوعی بسیار مهم یعنی نظام راهبری و پایش این سند پرداخته است. برای اجرایی شدن مفاد سند در زمان بندی مشخص شده، «ستاد راهبری اجرای سند تحول قضائی» به ریاست شخص آیت‌الله ریسی و عضویت مقامات عالی‌رتبه قضائی همچون معاون اول قوه قضائیه، رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور تشکیل شده است و ذیل آن «دبیرخانه ستاد راهبری» و کمیته‌های راهبری اجرای سند تحول پیش بینی شده اند تا به صورت مداوم نحوه‌ی اجرا و پیشرفت سند در نظام قضائی کشور را رصد و پایش نموده و موانع احتمالی پیش رو را از سرراه برداشته و همچنین پل ارتباطی باشند میان قوه قضائیه و نخبگان و کارشناسانی که برای ارتقا محتوا و اجرای موثرتر و مناسب تر سند تحول پیشنهاداتی دارند.

نتیجه گیری

فساد از جمله پدیده‌های سازمانی است که روند توسعه دولت‌ها را دچار بحران می‌نماید. فساد اقتصادی، گرایش به تمرکز ثروت دارد، وقوع دیگر جرائم را تسهیل نموده این مفاسد در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی شدت می‌یابد. سند تحول قضایی شامل ۳۷ ماده در مورخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید، که در آن چالش‌ها و راهبردهایی را بیان کرده، یکی از پایه‌های اصلی، بازگشت دستگاه قضایی به مأموریت‌های اصلی اشاره شده در قانون اساسی، که مهم‌ترین آن پیشگیری از جرم و فساد است، می‌باشد. رهبر معظم انقلاب اولویت مبارزه با فساد را از درون قوه قضائیه می‌دانند؛ بیانیه گام دوم انقلاب

اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ توصیه‌هایی را در هفت محور بیان نمود که محورهای سوم و چهارم به مباحث اقتصاد؛ مبارزه با فساد اختصاص دارد؛ سند تحول قضایی به عنوان یک سند بالادستی قضایی با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و توجه به عدالت و پرهیز از تبعیض بین افراد در برخورد و مجازات با مفسدان، می‌تواند در کاهش فساد اقتصادی بسیار مؤثر باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد راهکارها و راهبردهای قابل‌تصور در راستای پیشگیری، عبارت‌اند از: الف) شفافیت در اعلام‌داری‌های مسئولین، ب) برخورد قاطع و متقن با مفسدان و مجرمان اقتصادی، ت-تقویت و افزایش دادگاه‌های ویژه اقتصادی (ث) بهره‌گیری از قضات مجرب، متخصص... ج) رسیدگی قاطع و سریع.

منابع

۱. توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۷)، «جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران»، پایان‌نامه دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. نجفی‌ایرند آبادی علی حسین (۱۳۹۸)، «بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره سوم، شماره ۴.
۳. دریانی، عبدالرسول، (۱۳۹۱) «اقرار مبتنی بر شکنجه»، تهران، ماهنامه دادرسی، دانشگاه تهران.
۴. زراعت، عباس (۱۳۹۷)، «شرح قانون مجازات اسلامی (بخش دیات)» انتشارات ققنوس، تهران.
۵. سرشار، محمود، (۱۳۹۹) «تذکراتی چند به دادستانها و بازپرسان در حمایت از آزادی و حقوق فردی و اجتماعی در موقع بازپرسی»، تهران، مجله کانون وکلای مرکز.
۶. هاشمی، سید محمد، (۱۳۹۹) «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت»، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۷. (۱۳۹۷)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۸. (۱۳۹۸) حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت»، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۹. کی‌نیا، مهدی، (۱۳۹۸) جرم‌شناسی، تهران، مجتمع علمی فرهنگی مجد، چاپ ششم.
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸): «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ دوم.
۱۱. مرعشی، سیدمحمد حسن، (۱۳۹۲) نشریه حقوق، دانشکده‌ی علوم قضایی و خدمات اداری، شماره دوم.
۱۲. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۹) جرایم علیه اشخاص «تهران، بنیاد حقوقی میزان».
۱۳. ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۹۷) اعلامیه‌های حقوق بشر تهران، انتشارات ماجد.
۱۴. (۱۳۹۲) «جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بیگناه»، تهران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری.